

الگوی روابط انسانی در چند دهه اخیر تغییرات فراوانی داشته است

از دواج سفید یا همباشی سیاه



نازده ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

الگوی روابط انسانی در چند دهه اخیر با چالش‌ها و تغییرات فراوانی روبرو شده است بطوریکه امروزه شاهد تحولات چشمگیری در زمینه ارزش‌ها و باورهای نسل جدید هستیم. شواهد و قرائن حاکی از آن است که امروزه بخشی از جوانان جامعه، بویژه در کلان شهرهایی همچون تهران به تبعیت از سبک زندگی غربی شیوه خاصی برای با هم زیستن اتخاذ کرده‌اند. این گروه از دختران و پسران به پیامدهای سبک زیستنشان که علاوه بر آنکه برای خودشان مخرب و زیان‌آور است، دیگران را نیز دستخوش آسیب‌دیدگی، آزدگی و دلواپسی می‌کند. جوانان امروز در شهرهای بزرگ با اتخاذ سبک جدیدی از زندگی مثل «هم‌خانگی» یا «همباشی»، فرهنگ عرفی و سنتی ایران را با شوک فرهنگی عظیمی روبرو کرده‌اند. یکی از این شوک‌های فرهنگی که جامعه با آن دست به گریبان است پدیده «ازدواج سفید» می‌باشد که در حال حاضر در تعدادی از شهرهای پر جمعیت و برخوردار از امکانات روبه‌فزونی است. این پدیده به نوعی از رابطه پیش از ازدواج اشاره دارد که دو شریک جنسی بدون ازدواج و پیوند زناشویی با یکدیگر زندگی مشترکی را تشکیل می‌دهند؛

در حقیقت این نوع رابطه دلالت بر یک نوع ارتباط زناشویی غیر قانونی دارد و خارج از دامنه تعهدات یک ازدواج قانونی و حتی عرفی است. اگر بخواهیم نگاهی دقیق و روشنگرانه به این معضل و آسیب اجتماعی- فرهنگی داشته باشیم لازم است ابتدا بدانیم «ازدواج سفید» در فرهنگ فرانسوی به ازدواجی «قانونی و بدون روابط جنسی» تعبیر شده و اصولاً ازدواجی است که به عنوان راهی برای دور زدن قانون مهاجرت یا مسایل دیگری از این دست استفاده می‌شود؛ همچنین در فرهنگ لغت آکسفورد واژه ای که صدق زندگی مشترک زناشویی به همراه روابط جنسی بدون ازدواج باشد واژه «Cohabitation» یا «همباشی» است و نکته جالب تر آن که حتی در فرهنگ غرب هم این نوع ازدواج را ازدواج قلمداد نمی‌کنند. در واقع از این منظر جامعه ایران، فرهنگ غربی را تحریف کرده و از آن به عنوان روشی برای تابوشکنی استفاده می‌کند. روانشناسان با مطالعات گسترده در این حوزه اظهار داشتند پدیده «همباشی» بیشتر بر پایه ارضای غریزی شکل می‌گیرد و بطور کلی در دنیای غرب با توجه به تغییر سبک زندگی افراد و همچنین افزایش فشارها و مشکلات اقتصادی، میل به ازدواج رسمی، رفته رفته کاهش یافته؛ دختر و پسر برای فرار از بار مشکلات اقتصادی و همچنین عدم

پذیرش مسئولیت به عنوان همخانه با یکدیگر زندگی می‌کنند بی آنکه پیوند رسمی‌ای میانشان صورت گرفته باشد. تا چند دهه گذشته شاهد این نوع روابط تنها در دنیای غربی بودیم و این نوع رابطه با فرهنگ ایرانی به طور اعم و باورهای مذهبی به طور اخص در تضاد بود. ولی امروزه با توجه به ناکارآمدی نهاد خانواده در ایران، افزایش مشکلات اقتصادی و معیشتی، افزایش بیکاری و نبود شغل و درآمد مناسب، شاهد از هم پاشیدگی و تکه تکه شدن فرهنگ ایرانی هستیم و هر روز بیشتر از گذشته به سمت غرب زدگی در حرکت است. روانشناسان بر این نکته تاکید می‌کنند که این نوع ازدواج قبیل از دواج‌های سفید فقط تأمین نیازهای جنسی طرفین به خصوص مردان را در پی دارد و فاقد عناصر و عوامل تشکیل دهنده یک زندگی پایدار و مطمئن است. زنان جامعه به ویژه زنان جامعه ایران با مختصات و ویژگی‌های خاص فرهنگی حاکم بر آن از اصلی ترین قربانیان و بازماندگان این نوع روابط محسوب می‌شوند. البته محتمل است که در سالهای آتی شاهد گسترش چشمگیری از این نوع روابط و همچنین آسیب‌های روانی- اجتماعی ناشی از آن باشیم؛ مگر آنکه خانواده‌ها، مسئولین و نهادهای ذی ربط، عوامل پدیدآورنده آن را کاهش دهند و درصد یافتن راهی برای جلوگیری از این آسیب اجتماعی-

همین فرد روزی چشم باز می‌کند و می‌بیند به سن ازدواج رسیده اما با روش‌های تربیتی غلط والدین پذیرش مسئولیت را فراموش کرده است. در چنین شرایطی است که فرد به دلیل ترس از آینده نامعلوم شغلی و همچنین عدم اعتماد به نفس و فقدان شناخت از جنس مخالف تصمیم می‌گیرد به جای ازدواج بدون آنکه مسئولیتی بپذیرد با جنس مخالف «هم‌خانه» باشد بدون آنکه نسبت به عواقب آن شناختی داشته باشد. چنین فردی از بچگی یاد گرفته اگر مشکلی تهدیدش کند، مسئولیت عواقب همه چیز بر عهده والدینش باشد، بر این اساس چنین فردی از ازدواج و پذیرفتن مسئولیت و انجام کارهای سخت کاملاً واهمه دارد. همانطور که اشاره شد چندین عامل برای رشد این پدیده و آسیب اجتماعی در ایران وجود دارد که مهمترین آن عدم تمایل افراد جهت قبول مسیولیت زندگی زناشویی است.

عوامل دیگری همچون ضعف اقتصادی، تورم خارج از قاعده، ناتوانی بعضی از خانواده‌ها در تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی، نیازهای جنسی، ارتباطات جهانی و استفاده از شبکه جهانی اینترنت، گذر از جامعه سنتی به مدرن، وجود تعارض‌های نسلی و اختلاف عقاید، تأخیر در سن ازدواج و همچنین وجود سختگیری‌ها و تعصبات قومی خانواده‌ها از فاکتورهای اصلی زمینه‌ساز این پدیده اجتماعی هستند.

از منظر روانشناسی پدیده ازدواج سفید کژکارکردی‌های خود را دارد و آسیب‌های فراوانی را به جامعه تحمیل می‌کند. یکی از مهمترین و مشهودترین عوارض این نوع ازدواج، خشم و پر خاشاگری است. میزان رفتارهای خشونت آمیز کلامی و فیزیکی و رفتارهای بزهدکارانه در این روابط بسیار شایع است. سلامت روانی طرفین در این ارتباط در معرض خطر بالایی قرار دارد و اضطراب و افسردگی از شایع‌ترین آسیب‌های روانی است که گریبان این افراد را می‌گیرد. این افراد همیشه بیم آن را دارند که هر لحظه ممکن است رابطه خود را از دست بدهند به همین سبب فشار عصبی بالایی را تجربه می‌کنند. گرچه شاید بسیاری از افرادی که برای همبازی سیاه یا ازدواج سفید به هم می‌پیوندند موقتی بودن این نوع رابطه و زندگی را یک‌دیگر گوشزد می‌کنند در نهایت با آگاهی کامل به صورت توافقی این نوع زندگی مشترک را انتخاب می‌کنند؛ اما در

به گفته روانشناسان از دواج‌های سفید فاقد عناصر و عوامل تشکیل دهنده یک زندگی پایدار و مطمئن است. زنان جامعه به ویژه زنان جامعه ایران با مختصات و ویژگی‌های خاص فرهنگی حاکم بر آن از اصلی ترین قربانیان و بازماندگان این نوع روابط محسوب می‌شوند.

از منظر روانشناسی پدیده ازدواج سفید کژکارکردی‌های خود را دارد و آسیب‌های فراوانی را به جامعه تحمیل می‌کند. یکی از مهمترین و مشهودترین عوارض این نوع ازدواج، خشم و پر خاشاگری است. میزان رفتارهای خشونت آمیز کلامی و فیزیکی و رفتارهای بزهدکارانه در این روابط بسیار شایع است

این میان به واسطه شرایط خاص روانشناسانه و عاطفی که خاص جنس مونث است رویای یک زندگی دائمی را در ذهن می‌پروراند. به همین دلیل وقتی روابط به هم می‌خورد باورهای آنان به هم می‌ریزد و آنان احساس فریب خوردگی می‌کنند و میل به خودکشی در میان آنها بالا می‌گیرد.

البته، این نوع زندگی عواقب ناگواری برای جامعه و خانواده نیز دارد که مهمترین پیامدهای این آسیب اجتماعی و فرهنگی فرزندان است که متولد می‌شوند و غالباً پدران مسئولیت آنها را بر عهده نمی‌گیرند و عدم حمایت قانون از تولد چنین فرزندان یکی از مهمترین آسیب‌های این معضل اجتماعی است. در این میان فرزندان، بی‌پدر و بی‌خانواده باقی می‌مانند که از هیچ حق قانونی‌ای برخوردار نیستند گرچه سایر حقوق این کودکان چون بقیه کودکان است، اما معمولاً کسی حمایت آنان را بر عهده نمی‌گیرد چنانچه این روابط به هر دلیلی به شکست بیانجامد برای دختران جز آسیب روانی «احساس در ماندگی و نفرت» چیزی باقی نمی‌ماند که تقریباً غیر قابل جبران است. روانشناسان با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در زمینه ازدواج سفید معتقدند یکی از مهمترین راهکارها و اقدامات برای جلوگیری از افزایش این آسیب اجتماعی، «فرهنگ‌سازی» از طریق آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی است تا از این رهگذر اقعاع افکار عمومی صورت بگیرد که در این راستا صدا و سیما و همچنین شورای عالی فضای مجازی می‌توانند با مشورت گرفتن از متخصصین و روانشناسان در جهت آگاه‌سازی هر چه بیشتر جوانان، برنامه‌ریزی‌های دقیق و سیاست‌گذاری‌های مناسبی را اتخاذ کنند.

از گوشه و کنار

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس خبر داد: کاهش سن مصرف مواد مخدر به ۱۱ سال!



یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به کاهش سن مصرف مواد مخدر به ۱۱ سال از نبود آموزش‌های پیشگیرانه در مدارس انتقاد کرد. حسن لطفی در گفت‌وگو با «خانه ملت» نسبت به کاهش سن مصرف مواد مخدر به ۱۱ سال و افزایش تمایل دانش‌آموزان به مصرف هشدار داد و گفت: متأسفانه تاکنون راهکارهای مسئولان برای جلوگیری از گرایش نوجوانان و جوانان به سمت مصرف مواد مخدر کارآمد نبوده و کاهش سن مصرف مواد مخدر نیز نشانه عدم موفقیت سیاست‌های مبارزه با مواد مخدر است. این نماینده مردم در مجلس دهم با انتقاد از اینکه آموزش و پرورش عملکرد و برنامه مناسبی برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان ندارد، تصریح کرد: بی‌شک فرزندان خانواده‌هایی که با معضل مواد مخدر درگیر هستند، در حاشیه‌های شهر زندگی و با فقر اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و بیشتر به سمت مصرف مواد مخدر گرایش دارند.

رئیس اداره محیط زیست شهر تهران: بیشتر زباله گرد ها فقیر نیستند



رئیس اداره محیط زیست شهر تهران با بیان اینکه همه افرادی که برای تفکیک زباله به سطل‌های زباله مراجعه می‌کنند، فقیر نیستند، گفت: بیشتر این افراد را بیمانکاران طرف قرار داد شهرداری تشکیل می‌دهند. برای مثال شهرداری تهران جمع‌آوری زباله‌های یک منطقه را به یک پیمانکار واگذار کرده است و آن پیمانکار افرادی را برای تفکیک زباله به کار گرفته است. محمد حسین باغ‌باز در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اینکه زباله‌گردی توهین به نظام اجتماعی و سیستم‌های مدیریتی ما است، گفت: طرح جامع مدیریت پسماند شهر تهران باید هر چه زودتر تدوین شود. رئیس اداره محیط زیست شهر تهران با بیان اینکه اخیراً در کار گروه سلامت و امنیت غذایی استان تهران در باره زباله‌گردی صحبت و تصمیماتی در این زمینه گرفته شده است، یادآور شد: شهرداری تهران برای جمع‌آوری پسماندها از سطح شهر تلاش زیادی می‌کند چرا که جمع‌آوری روزانه ۹ هزار تن زباله به صورت روزانه یک به ۵۰ هزار تن نخاله‌ساختمانی، آوار و پسماندهای عمرانی کار دشوار و هزینه‌بر است. وی با بیان اینکه تفکیک نکردن زباله‌ها از مبدا علت اصلی زباله‌گردی است، تصریح کرد: پس‌ماندها صرفاً یک سری مواد زائد، بی‌مصرفی‌های ارزشمند نیستند.

معاون آموزش ابتدایی خبر داد: افزایش شهریه پیش‌دستانی‌های مدارس دولتی

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه کلاس‌ها و فضاهای مازاد مدارس دولتی همچنان برای پیش‌دستانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، گفت: قرار نیست تعداد پیش‌دستانی‌های ضمیمه مدارس دولتی کاهش یابد و شهریه پیش‌دستانی‌ها نباید بیشتر از ۱۵ درصد شهریه سال قبل باشد. دربارۀ شهریه مراکز پیش‌دستانی ضمیمه مدارس دولتی اظهار کرد: دوره پیش‌دستانی یک اولویت و اصل مهم است که باید مورد توجه قرار بگیرد. طبق دستورالعمل وزیر آموزش و پرورش، در دوره پیش‌دستانی اصل استفاده از همه ظرفیت‌های موجود است. وی افزود: نظر وزارتخانه این است که کلاس‌ها و فضاهای مازاد مدارس دولتی همچنان برای پیش‌دستانی مورد استفاده باشد تا خانواده‌های بیشتری بتوانند فرزندان را در پیش‌دستانی‌ها ثبت‌نام کنند. معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه تأکید ما ثبت‌نام در پیش‌دستانی‌های ضمیمه مدارس دولتی با همان قیمت سال قبل است، گفت: اگر هم افزایش هزینه‌ای در مدارس داریم، شهریه پیش‌دستانی‌ها نباید بیشتر از ۱۵ درصد شهریه سال قبل باشد.



در این حوزه باعث شده است که انجام تست آج‌آی وی بیشتر و در مراکز گسترده‌تری انجام شود. افزون بر آن تعداد کیت‌های این تست نیز بیشتر شده و پوشش درمان بالاتر رفته است. این اقدامات باعث شناسایی بیشتر بیماران می‌شود و آنها را به مراکز بهداشتی پیوند می‌دهد تا بتوانند خدمات رایگان دریافت کنند. اینکه بگوییم در منطقه‌ای تعدادی بیمار شناسایی شده‌اند این موضوع نشان‌دهنده پدیده شدن اوضاع است، قابل تعمیم به کل کشور نیست.

باید بیمار یابی را بهتر و بیشتر انجام دهد، ادامه داد: شناسایی بیشتر به این معنی است که ۳۸ هزار مورد بیمار ثبت شده به آمار تخمینی ۶۰ هزار مورد نزدیک شود. بهبود پیدا کردن بیماری‌هایی به نفع کشور است و شناسایی و برنامه‌های پیشگیری به این واسطه بیشتر می‌شود. همچنین موارد شناسایی شده نیز به سمت درمان هدایت می‌شوند و انتقال بیماری کاهش می‌یابد. سیدعلی نقی همچنین اضافه کرد: در حال حاضر اقدامات وزارت بهداشت

خبر

بحث بر سر میزان رشد این بیماری و ویروسی بالا گرفته است

افزایش میزان شیوع ایدز نداریم

آخرین آمارها درباره شیوع ایدز در ایران رقم ۲۶ هزار و ۵۷۱ مورد را اعلام می‌کند؛ آماري که الگوی انتقال آن امروز تغییر کرده و شکل دیگری به خود گرفته است. حلالبحث بر سر میزان رشد این بیماری و ویروسی است؛ آیا شیوع ایدز در ایران افزایش داشته است؟ به گزارش ایسنا، هفته گذشته از دو منطقه در جنوب کشور آمارهایی درباره ابتلا به ایدز منتشر شد؛ یکی از مناطق هرمزگان بود. معاون امنیتی و سیاسی استاندار هرمزگان میزان شیوع ایدز در هرمزگان را دو برابر میانگین کشوری اعلام کرده و گفته بود که «وقت آن رسیده است مردم رانسیبت به این موضوعات آگاه کنیم تا شاهد افزایش آمار ایدز در استان نباشیم». به گفته بهروز اکرمی «انتقال ایدز از طریق موارد جنسی در هرمزگان نسبت به کشور دو برابر است و پیش‌بینی می‌شود تعداد موارد ناشناخته عدد

قابل توجهی باشد.» همچنین حسن تاوانه، رئیس اداره بهزیستی چابهار اعلام کرد که در روستای درگز چابهار آمار ابتلای ۷۸ نفر به ایدز تأیید شده است؛ خبری که البته از سنوی وزارت بهداشت تکذیب شد. محمد مهدی گویا - رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت در باره این خبر توضیح داد و گفت: براساس گزارشی که در این رابطه منتشر شده با ایداعلام کرد که تعداد موارد ذکر شده در رابطه با موارد ابتلا از صحت برخوردار نیست و آمار مبتلایان کمتر از تعداد منتشر شده است. پرسشی که در این میان مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان با استناد به آمارهای جزئی اعلام کرد که شیوع ایدز در ایران افزایش پیدا کرده است؟ دکتر سیداحمد سیدعلی نقی - عضو مرکز تحقیقات ایدز ایران تأکید می‌کند که مادر در حال حاضر با افزایش شیوع ایدز در کشور

روبرو نیستیم و باید در این خصوص علمی و قابل اطمینان صحبت کرد. وی در گفت‌وگو با ایسنا با تأکید بر اینکه در حال حاضر با افزایش شیوع ایدز روبرو نیستیم، اظهار کرد: طبق آخرین آمارها ابتلا به این بیماری در معنای تفریق از ۲۵ تا ۳۰ درصد به ۱۳ درصد رسیده است. آمار ابتلا به ایدز زمانی در زندانیان چهار درصد بود که الان به ۰.۸ درصد رسیده است. در زنان آسیب پذیر نیز این رقم ۲.۱ درصد و در مردان آسیب پذیر کمتر از پنج درصد گزارش شده است. در ترنس جندها- افرادی که جنسیت مبهمی دارند- نیز آمار ابتلا به ایدز ۱.۹ درصد است. شیوع این بیماری افزایش پیدا کرده است، گاهی شیوع به این معنی است که بیمار یابی دقیق تر شده است و موارد را بهتر پیدا کرده‌ایم. با یک عدد نمی‌توان به این نتیجه رسید که وضعیت بدتر شده است. وی با بیان اینکه وزارت بهداشت